

The Relationship between Social Alienation and Fear of Property Offences in Kabul, Afghanistan

Zia Hossein Yosefi¹,  Seyyed Hossein Hosseini²,   Seyyed Mehdi Seyyedzadeh³

1. LLD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, Mashhad

2. Associated Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, Mashhad

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, Mashhad

Abstract

Fear of crime is one of the complex social phenomena that is significantly influenced by environmental and social characteristics. Fear of property crimes and social alienation is a new concept in Afghanistan. Therefore, the aim of this study is to identify and determine the amount of fear of the property crimes and to examine its relationship with social alienation of citizens in Kabul city. This study is descriptive-analytical and conducted using a survey method. The statistical population included women and men over 15 years of age in Kabul city which the sample size, using the Cochran formula, was determined 446 people, and the samples were selected through multi-stage sampling. Data were collected using a researcher-made questionnaire and its validity was assessed through the formal method and its reliability assessed with the Cronbach's alpha coefficient. The findings of this study show that the mount of fear of the property crimes in Kabul city is medium to high (64.2 %). The frequency distribution shows that more than 71.6% in Kabul city feel socially alienated. The findings of the current study show that there is a relationship between the social alienation variable and the fear of property crimes; consequently, the lower the social alienation among citizens, the lower the fear of property crimes will be, and the higher the social alienation in neighborhoods, the greater the fear of property crimes in Kabul city. The inferential results of the study indicate that there is a relationship between the social alienation variable and the fear of property crimes, and this variable is one of the important factors explaining the fear of property crimes. Finally, the higher the amount of social alienation of citizens, such as feel of powerlessness, social isolation, anomie, meaninglessness and self-hatred, the greater their fear of crime.

Keywords: Fear of property crimes, social alienation, Kabul city, citizens of Afghanistan.

Received: 24/12/2024

Revised: 06/02/2025

Accepted: 17/02/2025

How To Cite: Yosefi, Zia Hossein, Hosseini, Seyyed Hossein, Seyyedzadeh, Seyyed Mehdi (2025). The Relationship between Social Alienation and Fear of Property Offences in Kabul, Afghanistan, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (1), 111-128. <http://doi.org/10.22091/dclic.2025.12197.1046>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





ارتباط میان بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی در شهر کابل افغانستان

ضیاحسین یوسفی^۱، سید حسین حسینی^۲، سید مهدی سیدزاده^۳

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، مشهد، رایانامه:

ziahussain510@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، مشهد، (نویسنده مسئول)، رایانامه:

shosseini@um.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، مشهد، رایانامه: seidzadeh@um.ac.ir

چکیده

ترس از جرم یکی از پدیده‌های اجتماعی پیچیده است که به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر ویژگی‌های محیطی و اجتماعی قرار دارد. ترس از جرائم مالی و بیگانگی اجتماعی یک مفهومی جدید در افغانستان است. بنابراین، هدف این پژوهش شناسایی و تعیین میزان ترس از جرائم مالی و بررسی ارتباط آن با بیگانگی اجتماعی شهروندان، در شهر کابل است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل زنان و مردان بالای ۱۵ سال شهر کابل بوده که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۴۴۶ نفر تعیین گردید و نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته گردآوری و اعتبار آن از طریق روش صوری و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، میزان ترس از جرائم مالی در شهر کابل از متوسط به بالا (۶۴/۲ درصد) است. توزیع فراوانی نشان می‌دهد بیشتر از (۶/۷۱ درصد) در شهر کابل احساس بیگانگی اجتماعی دارند. یافته‌های پژوهش فعلی نشان می‌دهد که میان متغیر بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی ارتباط وجود دارد؛ در نتیجه، هرچه بیگانگی اجتماعی میان شهروندان کمتر باشد، ترس از جرائم مالی کمتر خواهد بود و به هر میزان بیگانگی اجتماعی در محله‌ها بیشتر شود، ترس از جرائم مالی در شهر کابل بیشتر می‌شود. نتایج استنباطی پژوهش بیان می‌کند که میان متغیر بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی ارتباط برقرار است و این متغیر از عوامل مهم تبیین‌کننده ترس از جرائم مالی است. در نهایت، به هر میزان بیگانگی اجتماعی شهروندان مانند احساس بی‌قدرتی، احساس انزوای اجتماعی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی و احساس تنفر از خویشان بیشتر باشد، ترس از جرم از آنان افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: ترس از جرائم مالی، بیگانگی اجتماعی، شهر کابل، شهروندان افغانستان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

استناد: ضیاحسین یوسفی، سید حسین حسینی، سید مهدی سیدزاده (۱۴۰۴). ارتباط میان بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی در شهر کابل افغانستان، *آموزه‌های*

حقوق کیفری کشورهای اسلامی، ۲ (۱)، ۱۲۸-۱۱۱. <http://doi.org/10.22091/dcllic.2025.12197.1046>

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

به لحاظ تاریخی و علمی، دقیق معلوم نیست که تلاش‌ها در کدام دهه، ارتباط میان بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی در افغانستان آغاز شده است. در پرتو مطالعات متعددی که در این زمینه صورت گرفته، عوامل مختلف مؤثر در ترس از جرم شناسایی شده است؛ از جمله این عوامل مهم که محور اصلی این نوشتار است، می‌توان به ارتباط میان بیگانگی اجتماعی شهروندان و ترس از جرائم مالی اشاره کرد (Lee et al: 2020). نظریه‌های اجتماعی، مانند بیگانگی اجتماعی، نگرانی اجتماعی، کنترل اجتماعی و آسیب‌پذیری اجتماعی، تا حدودی در تبیین و شرح ترس از جرم مؤثر است. آنچه در محور اصلی این مقاله بررسی می‌شود، ارتباط میان بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم در شهر کابل است و به سایر نظریه‌های اجتماعی تماس نمی‌گیرد. بیگانگی اجتماعی، مفهومی است که برخی پژوهشگران به ارتباط آن با احساس امنیت اشاره کرده‌اند. ایده شهرگرایی که لوئیس ویرت توسعه داد، به این موضوع اشاره می‌کند که شهرهای بزرگ با تعارض هنجاری، فردگرایی، غیرشخصی بودن، گسسته شدن روابط نخستین و نظارت‌های غیررسمی، منجر به وضعیت‌های روان‌شناختی زیان‌بار، از جمله بیگانگی، بی‌قدرتی، ترس و اضطراب می‌شوند. گاروفالو نیز عنوان می‌کند که ترس از جرم می‌تواند بخشی از این سندرم روان‌شناختی باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲).

فلمینگ بالویگ^۱ نیز در همین زمینه بیان می‌کند که برای کسانی که منابع مالی ناچیزی دارند و در حاشیه جامعه‌اند، عدم امنیت جانی به سادگی شکل ترس به خود می‌گیرد. از نظر او انزوا و ترس از جرم با یکدیگر ارتباط دارد. هرچه انزوای اجتماعی بیشتر باشد و فرد در جامعه فروموش شده‌تر و موقعیتش در شبکه اجتماعی ضعیف‌تر باشد، ترس او از جرم بیشتر است (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۷). مفهوم بیگانگی اجتماعی از سوی برخی جامعه‌شناسان برای توضیح انفعال و بی‌علاقگی اجتماعی به کار رفته است. مک‌دیل و ریل بیگانگی را با سطح وضعیت اقتصادی اجتماعی مرتبط دانسته است؛ به این صورت که هر قدر سطح پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد ضعیف‌تر باشد، میزان اثربخشی و احساس اثربخشی اجتماعی کمتر و احساس بیگانگی اجتماعی در میان آنان بیشتر است (Mc Dill and Ridley, 1962: 206). همچنین ملوین سیمن^۲ با نگاهی روان‌شناختی به بیگانگی نگرسته و مبنای آن بر مؤلفه بی‌هنجاری، بی‌معنایی، بی‌قدرتی، تنفر از خود و انزوای اجتماعی استوار است. سیمن کوشیده است ضمن تعریف مفهوم بیگانگی و مشخص کردن سنخ‌شناسی بیگانگی، صور و انواع

1. Fleming Balvig

2. Melvin Seeman

تظاهر رفتار بیگانه‌گونه را در پنج نوع زیر ارائه می‌دهد که به نظر او، از رایج‌ترین و متداول‌ترین صور کاربرد مفهومی واژه در ادبیات جامعه‌شناسی است:

الف. احساس بی‌قدری: این احساس عبارت است از احتمال یا انتظار تصور شده از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نیست و او را به هدف رهنمون نمی‌کند که بر اساس آن کنش تجهیز شده است.

ب. احساس انزوای اجتماعی: واقعیت فکر است که در آن فرد نداشتن تعلق و وابستگی و انفصال تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند. در این حالت، فرد به سازوکار ارزش‌گذاری و سیستم پاداش اجتماعی باور نازلی دارد و خود را با هر آنچه از نظر جامعه معتبر و باارزش است، هم‌عقیده و هم‌سو نمی‌بیند.

ج. احساس بی‌هنجاری: به عقیده‌ی سیمن، احساس بی‌هنجاری و احساس بی‌قدری، وضعیتی فکری و ذهنی است که در آن فرد این احتمال را به حد زیادی بر خود مفروض و متصور می‌دارد که تنها کنش‌هایی فرد را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌کند که جامعه آن‌ها را تأیید نمی‌کند (Seeman, 1966: 353).

د. احساس بی‌معنایی: این شکل از بیگانگی زمانی مشهود است که فرد در باور خود دچار تردید و ابهام است؛ یعنی نمی‌داند به چه چیز اعتقاد داشته باشد. به عبارتی، او در پیش‌بینی دقیق رفتار دیگران و برآورد عواقب و نتایج رفتار خود با دشواری روبه‌روست.

هـ. احساس تنفر از خویش: سیمن میزان هر رفتار را بر اساس پاداش‌های مورد انتظار می‌بیند و همانند مارکس معتقد است پاداش به‌طوری انحصاری در خود عمل نهفته نیست؛ بلکه نسبت به کار، امری خارجی است. به نظر سیمن، در دنیای صنعتی، انسان کار می‌کند بدون اینکه به ارزش واقعی کار خود واقف باشد و از نتایج خویش بهره‌مند شود. نتیجه‌ی این وضعیت، زوال و از دست رفتن مفهوم واقعی کار و آغاز نفی خود در تولید است. در چنین وضعیتی، فرد شانس و فرصت لازم برای خلق و تولید محصولی را نخواهد داشت که او را راضی و خرسند کند؛ در نتیجه، به‌نوعی احساس انزجار از روابط اجتماعی تولید می‌شود (کوهی و فریادی، ۱۳۹۸).

بیگانگی^۱ و ابعاد آن نظیر بی‌قدرتی^۲، بی‌معنایی، بی‌هنجاری^۳، انزوا^۴، تنفر فرهنگی^۵ و تنفر از خود^۶ از پدیده‌های اجتماعی است که در اکثر فرهنگ‌ها معضل و مسئله اجتماعی شناخته شده است. نظریه‌های کلان درباره بیگانگی تصریح می‌کنند که وجود پدیده بیگانگی در هر اجتماعی، به نمودهای مختلف رفتارهای بیگانه‌وار منجر می‌شود؛ نظیر بی‌قدرتی، انزوا و تنفر فرهنگی. ریشه فکری آن را هگل، وبر، زیمل، دورکیم، لوگاج و دیگران پایه‌ریزی کرده‌اند (بنی‌فاطمه و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱). ساتسول^۷ معتقد است هرچه سن افراد کمتر باشد، بیگانگی آن‌ها بیشتر و هرچه افراد به موضوع‌های سیاسی و اجتماعی بدبین‌تر باشند، بیگانگی از آن موضوعات نیز بیشتر می‌شود. همان طوری که مک‌دیل و ریدل^۸ بیگانگی را با سطح وضعیت اقتصادی اجتماعی در ارتباط دانسته است: به هر میزان سطح پایگاه اقتصادی اجتماعی اشخاص ضعیف‌تر، میزان اثربخشی در بین افراد کمتر و هرچه احساس اثربخشی اجتماعی کمتر، احساس بیگانگی در بین افراد بیشتر است. به هر میزان که اعتماد اجتماعی در یک جامعه کمتر باشد، انزوا و دوری اعضای جامعه از همدیگر بیشتر می‌شود و میزان بیگانگی اجتماعی افزایش می‌یابد (Mc Dill and Ridley, 1962: 206).

چنین احساس بیگانگی اجتماعی در میان شهروندان افغانستان قابل مشاهده است. ظن اولیه نشان می‌دهد که میان ترس از جرم و بیگانگی اجتماعی در شهر کابل ارتباط است، پژوهش فعلی در تأیید بیانات ملوین سیمن قصد دارد تأثیر بیگانگی اجتماعی بر ترس از جرائم مالی را در بین شهروندان کابل تبیین و به این پرسش پاسخ دهد که تأثیر بیگانگی اجتماعی بر ترس از جرائم مالی بر اساس رویکرد نظری ملوین سیمن در شهر کابل به چی پیمانه است، شرح می‌دهد. مدل‌های مختلف برای ترس از جرم مطرح شده است که هرکدام با دیدگاهی ویژه به این موضوع پرداخته است. این نظریه‌ها هریک بخشی از واقعیت ترس از جرم را توضیح می‌دهد و تا حدی به تبیین ترس از جرم کمک می‌کند؛ در پژوهش فعلی، تلاش بر این است که ارتباط میان ترس از جرائم مالی و بیگانگی اجتماعی شهروندان کابل را تبیین نماید.

1. Alienation
2. Powerlessness
3. Normlessness
4. Isolation
5. Cultural estrangement
6. Self estrangement
7. South well
8. Mc dill and Ridley

۱. مفهوم ترس از جرم

مطالعه ادبیات نظری مرتبط با احساس امنیت نشان می‌دهد که تحقیقات علوم جنایی در این حوزه از مفهوم امنیت کمتر استفاده کرده و بیشتر به طور عام از مفهوم ایمنی و به طور خاص از مفهوم ترس از جرم برای توصیف ناامنی بهره گرفته‌اند. مطالعات انجام شده در باب امنیت بیانگر تفاوت‌های جزئی بین امنیت و ایمنی است؛ اما در معنای عموم، امنیت و ایمنی مترادف در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، مفهوم ترس از جرم معادل با احساس ناامنی (جانی و مالی) در نظر گرفته شده است، نه امنیت اجتماعی (خوراسگانی و همتی، ۱۴: ۱۳۸۸).

ترس از جرم مفهومی نوپا بوده و دیدگاه نظری مختلف برای توضیح آن پدیده آمده است. ترس از جرم نشان‌دهنده یک مجموعه پاسخ به محیط بوده و متشکل از سه بعد عاطفی (ترس)، شناختی (خطر ادراک‌شده) و رفتاری (رفتار محدودشده) است. ترس از جرم اشاره به میزان ترس اجتماعی، نگرانی نسبت به بزه‌دیده شدن خود و خانواده در برابر جرائم اجتماعی است (عشایری و همکاران، ۱۳۹۶).

مفهوم ترس از جرم، با عبارت‌های معادل حالت هیجانی، نگرش‌ها یا ادراکات (شامل عدم اعتقاد به دیگران، اضطراب، خطر ادراک‌شده، ترس از بیگانه‌ها، یا نگرانی از روبه‌زوال گذاشتن روابط همسایگی یا نزول اخلاقیات در جامعه) به کار رفته است. در این میان، هیجان ترس در زندگی روزمره، از سوی بسیاری از انسان‌ها تجربه شده و برای آنان اسرارآمیزتر از موضوعاتی چون خشم و لذت و ناامیدی نیست؛ درحالی‌که جرم‌شناسان تمایل دارند ترس از جرم را از سایر گونه‌های ترس معمول، مانند ترس از تصادف خودرو، ترس از افتادن و ترس از بیمار شدن، تفکیک کنند. هیچ شواهدی در دست نیست که نشان دهد ترس از جرم از لحاظ کیفیت با سایر انواع ترس متفاوت است (عبدالملکی، ۱۳۹۵: ۶۷). آنچه ترس از جرائم را از دیگر ترس‌ها متمایز می‌کند، فقط موضوع محرک ترس از جرائم است. یکی از مواردی که باعث روشن نشدن ترس از جرم شده، داشتن نگاه متفاوت به پدیده ترس از جرم است و مؤلفه‌هایی همانند ترس از جرم را با خطر ادراک‌شده و قربانی شدن افراد یکی می‌دانند؛ درحالی‌که ترس از جرم معادل خطر ادراک‌شده نیست؛ بلکه نتیجه منطقی ترس از جرم، ترس از خطر آنی و تهدید مستقیم در تعریف ترس از جرم مدنظر است (war & mark. 2000: 453).

به گفته وار: «ترس از جرم فرایندی شناختی نیست؛ بلکه حالت عاطفی پیچیده‌ای است که بر اثر خطر ادراک‌شده شکل می‌گیرد و نوعی اضطراب منطقی یا غیرمنطقی در فرد است؛ در نتیجه با این تحلیل پدید می‌آید که فرد در معرض خطر بزه‌دیدگی است» (war & mark. 2000: 453). از همین رو، گارلند و فرارو بعد از بررسی و تحلیل ترس از جرم، آن را واکنش احساسی می‌دانند که مشخصه‌اش وحشت و اضطراب در برابر جرم یا نمادهای

مرتبط با آن است. تعریف فوق به نمادهای ترس از جرم اشاره دارد. توضیح اینکه انگیزه و علت‌هایی که موجب ترس می‌شود، گوناگون است؛ ولی همه آن‌ها به یک عامل (احساس خطر) بازمی‌گردد (نیکوکار، ۱۳۹۰: ۲۵). گاهی علاوه بر علت اصلی، برخی مسائل به سبب ارتباط و نزدیکی با علت اصلی، دامنه ترس را گسترش داده، به موقعیت‌های دیگری نیز تسری می‌دهد؛ برای مثال اگر یک سگ کودکی را گاز بگیرد، ممکن است بعدها کودک نه تنها از سگ، بلکه از گربه و خرگوش هم بترسد و حتی از دیدن حیوانات روی پرده سینما نیز وحشت کند (هاشمیان، ۱۳۵۲: ۳۲۳).

۲. پیامدهای ترس از جرم

ترس از جرم پدیده‌ای اجتماعی است که برای زندگی در شهرهای بزرگ پیامدهایی عینی در بر دارد (اسکوگن، ۲۰۰۶: ۲۵۵). ترس از جرم به عنوان مسئله‌ای مهم اجتماعی پذیرفته شده و پیامد و هزینه‌های آن نیز برای افراد، محله و دولت بسیار زیان‌بار خواهد بود. در ادبیات ترس از جرم، بر سر این موضوع که اصلی‌ترین پیامد ترس، پایین آمدن کیفیت زندگی است، توافقی جمعی وجود دارد. پیامد ترس در سطح فرد، به لحاظ ویژگی و خصوصیات جسمی، روانی و رفتاری انسان متفاوت است. ویژگی‌های روانی، مانند ترس از انزوا، اضطراب و فشارهای روانی پس از آسیب است. در حوزه رفتاری، ترس از جرم باعث پرهیز از محیط پرخطر، محدودیت فعالیت اجتماعی می‌شود (Brewin et al, 2000).

همچنان پیامدهای ترس از جرم در سطح محله درخور توجه است؛ زیرا ترس از جرم موجب حضور کمتر افراد در محله و مشارکت کمتر در امور محله می‌شود. به هر میزان حضور افراد در محله کم‌رنگ باشد، به زوال محله و ترس بیشتر شهروندان و به کیفیت زندگی پایین منجر می‌شود. ترس بیشتر از جرم، خیابان‌ها را خلوت می‌کند که به خرید کمتر و ضعیف شدن اقتصاد محله منجر می‌شود (Lee et al, 2020). یکی دیگر از پیامدهای ترس از جرم در سطح کلان، هزینه‌هایی است که دولت برای کاهش ترس متقبل می‌شود؛ مانند نظارت بر محله، پیشگیری از جرم، آگاهی‌دهی به شهروندان. علاوه بر این، ترس از جرم در سطح کلان شمار گردشگران را در کشور کاهش می‌دهد (Boardman, 2002).

۳. معرفی مناطق پژوهش

افغانستان با کشورهای پاکستان، ایران، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و چین هم‌مرز هستند. افغانستان ۳۴ استان و دارای بیش از ۳۰۰ شهرستان است. کابل یکی از استان‌های افغانستان با چندین مرکز شهری و روستایی است. مرکز آن، شهر کابل با ویژگی‌های خاص خود، پرجمعیت‌ترین و مهم‌ترین مرکز سیاسی، اقتصادی

و انسانی و پایتخت کشور محسوب می‌شود (استراتژی توسعه شهری افغانستان، ۱۳۸۶: ۱۳۳). شهر کابل در دامنه کوه شیردروازه و آسمایی و در کنار رودخانه کابل، بین ۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی و ۱۲ دقیقه طول شرقی واقع شده است. رودخانه‌های کابل، لندر، چمچه‌مست و لوگر از رودهای حوزه کابل است. مساحت فعلی شهر کابل ۱۰۳۰ کیلومتر مربع و جمعیت شهر کابل، مطابق تخمین سال ۱۳۹۹، حدود ۵ میلیون و ۲۰۴ هزار و ۶۶۷ نفر است: ۲ میلیون و ۶۴۷ هزار و ۳۹۰ مرد و ۲ میلیون و ۵۵۷ هزار و ۲۷۷ زن. مرکز شهر کابل شامل بافت کهنه و قدیمی است و در آن از همه قومیت‌های اصلی افغانستان زندگی می‌کنند (نک: سایت اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان، ۱۳۹۹). شواهد رشد شهرنشینی حکایت از مهاجرت گسترده از سایر نقاط افغانستان به این شهر دارد (نک: سایت شهرداری کابل، ۱۳۹۹). به نقل از سایت رسمی شهرداری کابل، کابل به‌عنوان مرکز، شاهد سطح بیشتری از توسعه صنعتی نسبت به سایر استان‌های کشور است. به دلیل حضور تعداد بیشتر دفاتر اداری و تجاری در پایتخت، این شهر از فرصت‌های شغلی بهتری نسبت به اکثر شهرهای دیگر برخوردار است (شهرداری افغانستان، ۲۰۱۵).

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر زمان مقطعی^۱، از نظر هدف کاربردی و به لحاظ شیوه اجرا پیمایشی و از نوع توصیفی-تبیینی است. مباحث نظری آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان و مردان بالای ۱۵ الی ۷۰ سال در شهر کابل است،^۲ با توجه به گستردگی شهر کابل و محدودیت‌های اجرایی، جامعه آماری این پژوهش به غرب کابل کاهش یافت. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۴۶ نفر تعیین شده است. روش نمونه‌گیری تحقیق، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. در مرحله اول، غرب شهر کابل به چند ساحه یا منطقه تقسیم شد؛ در مرحله دوم، به‌طور سیستماتیک ساحات مورد تحقیق به ساحات مشخص تقسیم شد و سپس، از داخل این بخش‌ها، نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته انجام شد. برای تعیین اعتبار و روایی پرسش‌نامه از روش اعتبار صوری و محتوایی

۱. این تحقیق از نظر زمانی سال‌های ۱۳۹۹-۱۴۰۰ را شامل می‌شود.

۲. اینکه چرا جامعه آماری تحقیق افراد بالای ۱۵ سال انتخاب شده است، به دلایل زیر توجه فرماید:

الف. عدم توانایی و درک درست از وضعیت امنیت و احساس ترس از جرائم مالی، افراد زیر سن ۱۵ سال.

ب. عدم توانایی درست خانه پری فرم به نسبت نبود سواد کافی افراد زیر سن ۱۵ سال.

ج. عدم علاقه به تکمیل پرسشنامه توسط افراد زیر سن ۱۵ سال.

د. انتخاب توسط محقق افراد بالای سن ۱۵ سال.

ج. عدم دسترسی به افراد زیر سن ۱۵ سال.

استفاده شد و برای پایایی آن، از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار اندازه‌گیری است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار (SPSS) نسخه ۲۲ انجام شد. پس از شاخص‌سازی داده‌ها و بررسی نرمال بودن آن‌ها، داده‌ها با روش‌های تحلیلی و توصیفی بررسی و تحلیل شدند.

۵. یافته‌ها

۵-۱. مشخصات پاسخگویان پژوهش

در قدم نخست احساس می‌گردد، در مورد ویژگی افراد که به سوالنامه پاسخ داده‌اند، معلومات ارائه گردد تا از طریق ویژگی آنان اطلاعات کامل حاصل گردد. در میان افراد مورد پژوهش ۶۵/۳ درصد پژوهش را (مردان)، ۲۹/۵ درصد (زنان)، ۹/۶۰ درصد (مجرد)، ۳۱/۳ درصد (متاهل)، ۳/۱ درصد (مطلقه) و ۴/۶ افراد هیچ پاسخ ارائه ننموده‌اند. از مجموعه افراد ۵۰ درصد (بی‌سواد)، ۱۳/۹ درصد (سواد ابتدایی)، ۳۲/۵ درصد (دیپلوم)، ۳۹/۳ درصد (کارشناسی)، ۴/۳ درصد (کارشناسی ارشد)، ۱/۹ درصد (دکتری) و ۳/۱ درصد بدون پاسخ بودند. در نهایت ۴۸ درصد (۱۵-۲۵ سال)، ۲۲/۸ درصد (۲۶-۳۵ سال)، ۵/۵ درصد (۳۶-۴۵ سال) و ۲۳/۹ درصد (بالا ۴۵ سال) بودند.

۵-۲. ترس از جرائم مالی در شهر کابل

بر اساس یافته‌های کمیته فرانسوی مطالعات خشونت، احساس ناامنی عمومی مردم به‌نوبه خود به احساس تشدید بزهکاری دامن می‌زند (ژوژپیکا، ۱۳۹۳: ۹۱). ترس از جرم پاسخی احساسی به چیزی است که فرد آن را موقعیت جرم می‌داند. ترس از جرم به دو گروه کلی تقسیم‌بندی می‌شود: ترس فردی^۱ (ترس فرد درباره امنیت فردی خود) و ترس نوع‌دوستانه (ترس درباره دیگران، مانند همسر و فرزندان). ترس از جرم در تحلیل فرار و واکنشی احساسی است که مشخصه آن وحشت و اضطراب در برابر جرم یا نمادهای مرتبط با آن است (ابرنادادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۵۵). در تحقیق فعلی، ترس از جرم به پیروی از عبدالملکی، ۱۳۹۵، عشایری، ۱۳۹۸، سیدزاده و کرمانی، ۱۳۹۲ واکنشی هیجانی و نه ترس قضاوتی شناختی در نظر گرفته شده که فرد را به جرم مربوط می‌کند؛ بنابراین، ترس از جنس احساس دانسته شده است. ترس افراد از جرائم مالی، بر اساس شدت آن سنجیده

1. personal fear

می‌شود. در این بخش، نخست ترس از جرائم مالی به تفکیک آن بررسی خواهیم کرد و سپس نتایج مربوط به شاخص ترس از جرائم مالی ارائه می‌شود.

همان طوری که مشاهده می‌شود، متغیر ترس از جرائم مالی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و در جدول شماره ۱ بر اساس داده‌های آماری پژوهش، نتایج بیانگر آن است که از میان جرائم مالی نامبرده شده، میانگین^۱ ترس از جرائم در شهر کابل، به شرح زیر بیان شده است: ترس از حمل پول نقد ۱۴/۱ میانگین؛ ترس از پارک خودرو در خیابان برای زمان طولانی ۱۳/۳ میانگین؛ ترس از کیف‌قاپی یا جیب‌بری ۹۳/۱ میانگین؛ ترس از قربانی زورگیری شدن ۹۲/۱ میانگین؛ ترس از دزدیده شدن خودرو، موتورسیکلت یا لوازم آن ۸۷/۱ میانگین و ترس از دزدی از منزل ۸۰/۱ میانگین است. آنچه اشاره شد، میانگین متغیرهای ترس از جرائم مالی در شهر کابل بود.

شماره	عبارات	میانگین
۱	ترس از پارک خودرو در خیابان برای زمان طولانی	۱۳/۳
۲	ترس از حمل پول نقد	۱۴/۱
۳	ترس از دزدی از منزل	۸۰/۱
۴	ترس از کیف‌قاپی یا جیب‌بری	۹۳/۱
۵	ترس از زورگیری	۹۲/۱
۶	ترس از تخریب اموال	۰۰/۲
۷	ترس از دزدیده شدن خودرو یا لوازم آن	۸۷/۱

جدول ۱ - توزیع میانگین گویه‌های متغیر ترس از جرائم مالی

جدول بالا نشان می‌دهد که شهروندان بیشترین میزان ترس خود را از جرائم چنین گزارش کرده‌اند: ترس از پارک خودرو در خیابان برای زمان طولانی (۱۳/۳ میانگین) و ترس از تخریب اموال (۰۰/۲ میانگین) توصیف

۱. برای محاسبه میانگین، ترس از جرم از ۵ محاسبه شده است.

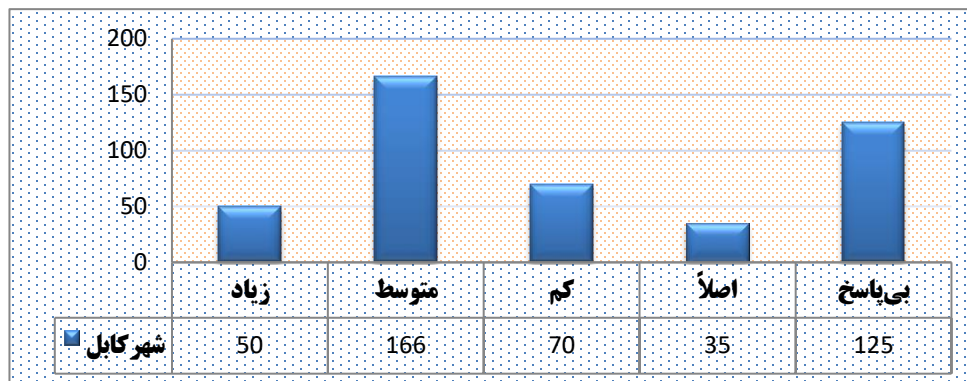
شده است. بر اساس توصیف داده‌های آماری، میزان ترس از جرائم مالی پاسخ‌گویان در جرائم هفت‌گانه در شهر کابل در جدول ۲ ارائه شده است.

میزان ترس از جرائم مالی	فراوانی	درصد
زیاد	۵۰	۲/۱۱
متوسط	۱۶۶	۳/۳۷
کم	۷۰	۷/۱۵
اصلاً	۳۵	۸/۷
بی‌پاسخ	۱۲۵	۰/۲۸
مجموعه	۴۴۶	۱۰۰

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان ترس از جرائم مالی

مطابق جدول بالا، در شهر کابل، ۸/۷ درصد شهروندان از هیچ‌یک از جرائم هفت‌گانه این پژوهش اصلاً نمی‌ترسند. ۷/۱۵ درصد شهروندان در حد کم از جرائم مالی می‌ترسند و ۳/۳۷ درصد شهروندان در حد متوسط از جرائم مالی ترس دارند. در نهایت ۲/۱۱ درصد از شهروندان به میزان زیاد از جرم ترس دارند و ۰/۲۸ درصد پاسخ‌گویان جواب نداده‌اند. اگر ترس را از کم و متوسط به بالا در نظر بگیریم، میزان ترس از جرائم شهروندان کابل از متوسط به بالا (۲/۶۴ درصد) بوده که خیلی زیاد به نظر می‌رسد. نمودار زیر، تصویر بهتری از وضعیت ترس از جرائم مالی در شهر کابل را نمایش می‌دهد و میزان ترس از جرائم مالی با اندازه یا مقیاس ترس از جرائم در حد «زیاد، متوسط، کم و اصلاً» سنجش می‌شود.

نمودار ۱ - میزان ترس از جرائم مالی در شهر کابل



۳-۵. بیگانگی اجتماعی شهروندان

پژوهشگران مفهوم بیگانگی اجتماعی را انفعال و بی‌علاقگی اجتماعی تعریف کرده‌اند. بیگانگی اجتماعی به معنای جدایی از واقعیت‌های پیرامونی و عدم پیوند «ذهنی شناختی» و «عینی کنشی» با برخی صور واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵).

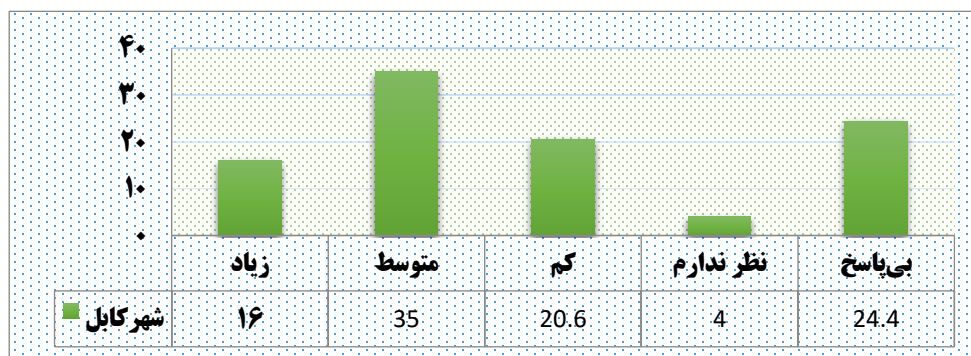
در پژوهش فعلی، با استفاده از پنج حوزه مفهومی که ملوین سیمن برای بیگانگی اجتماعی برشمرده است (بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی و تنفر از خود) و با الهام از پژوهش بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۹۰) با تغییراتی این مفهوم را بررسی می‌کند.

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که میانگین نمرات پاسخ‌گویان در گویه‌های مربوط به بیگانگی اجتماعی در شهر کابل به ترتیب بیشترین گویه در جدول ۳ آمده است: «احساس می‌کنم از دیگران عقب‌تر هستم»: ۰۷/۳؛ «خود را فرد مفیدی نمی‌دانم»: ۰۱/۳؛ «از دست افرادی مانند من کاری برای جامعه بر نمی‌آید»: ۰۰/۳؛ «از وضع زندگی خود متنفرم»: ۹۱/۲؛ «گاهی احساس می‌کنم این دنیا معنا و مفهومی ندارد»: ۸۷/۲؛ «در برخورد با مشکلات، هر روز بیشتر احساس ناتوانی می‌کنم»: ۸۵/۲؛ «در فعالیت‌های سیاسی شرکت نمی‌کنم؛ چون تأثیری در بهبود اوضاع ندارند»: ۶۶/۲؛ «بیشتر اوقات دوست دارم تنها باشم»: ۴۴/۲؛ «به هیچ‌کس نمی‌توان اعتماد کرد»: ۳۶/۲؛ «آینده شغلی افراد در جامعه ما معلوم نیست»: ۳۴/۲؛ میانگین است.

شماره	عبارات	میانگین
۱	از شرایط زندگی خود متنفرم	۲.۹۱
۲	در برخورد با مشکلات، هرروز، بیشتر احساس ناتوانی می‌کنم	۲.۸۵
۳	از دست افرادی مانند من کاری برای جامعه بر نمی‌آید	۳.۰۰
۴	در فعالیت‌های سیاسی شرکت نمی‌کنم چون تأثیری در بهبود اوضاع ندارند	۲.۶۶
۵	آینده شغلی افراد در جامعه ما معلوم نیست	۲.۳۴
۶	بیشتر اوقات دوست دارم تنها باشم	۲.۴۴
۷	احساس می‌کنم از دیگران عقب‌تر هستم	۳.۰۷
۸	گاهی احساس می‌کنم این دنیا، معنا و مفهوم ندارد	۲.۸۷
۹	خود را فرد مفیدی نمی‌دانم	۳.۰۱
۱۰	به هیچ‌کس نمی‌توان اعتماد کرد	۲.۳۶

جدول ۳- میانگین نمرات پاسخ‌گویان در بیگانگی اجتماعی

نتایج بیگانگی اجتماعی طبق نمودار ۲ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب شاخص بیگانگی اجتماعی آورده شده است. اظهار پاسخ‌گویان شهر کابل (۳۵ درصد) در حد «متوسط» و ۲۰/۶ درصد «کم» و ۱۶ درصد «زیاد» دچار بیگانگی اجتماعی هستند. چهار درصد گفته‌اند «نمی‌دانم» و ۲۴/۴ درصد نیز نظری نداده‌اند. در مجموع، اگر میزان بیگانگی شهروندان از کم به بالا در نظر داشته باشیم، میزان بیگانگی شهروندان (۷۱/۶ درصد) میزان بیگانگی شهروندان گزارش می‌شود، که خیلی زیاد میزان بیگانگی وجود دارند.



نمودار ۲- بیگانگی اجتماعی بر حسب شاخص بیگانگی اجتماعی

۴-۵. تحلیل میان بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی

تحلیل یافته‌های آماری میان بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی پژوهش در جدول ۴ نشان می‌دهد که تقریباً تمام پاسخ‌گویان در حد متوسط یا نزدیک به متوسط گرفتار بیگانگی اجتماعی هستند. جدول میانگین بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی در شهر کابل نشان می‌دهد پاسخ‌گویانی که در حد زیاد دچار بیگانگی اجتماعی هستند، بیشترین میزان ترس از جرائم مالی را دارند. از طرفی، آنانی که در حد کم گرفتار بیگانگی اجتماعی هستند، کمترین میزان ترس از جرم را احساس کرده‌اند.

این یافته‌ها بر وجود رابطه قوی و معنادار بین دو متغیر دلالت می‌کند. به بیان دیگر، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان که در شهر کابل به هر میزان بیگانگی اجتماعی مانند (احساس بی‌قدرتی، احساس انزوای اجتماعی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی و احساس تنفر از خویشان) بیشتر دارند ترس از جرائم از آنان افزایش می‌یابد و با سایر یافته‌های تحقیقی موافق‌اند. به تعقیب آن، بررسی بیانگر آن است که به تأیید فرضیه پژوهش، به هر میزان که بیگانگی اجتماعی در سطوح جامعه بیشتر باشد، ترس از جرائم مالی شهروندان کابل بیشتر خواهد بود.

شماره	بیگانگی اجتماعی	شهر کابل
۱	بیگانگی اجتماعی کم	۱.۹۸
۲	بیگانگی اجتماعی متوسط	۲.۳۳
۳	بیگانگی اجتماعی زیاد	۲.۴۱

جدول ۴ - میانگین ارتباط بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم

نتایج آزمون همبستگی اسپرمن در جدول ۵ بیانگر آن است که ضریب آن (۱۶۸/۰) و دارای سطح معناداری (۰۰۶/۰) است و میان متغیر بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی ارتباط وجود دارد؛ در نتیجه، هرچه بیگانگی اجتماعی میان شهروندان کمتر باشد، ترس از جرم کمتر خواهد بود و به هر میزان بیگانگی اجتماعی در محله‌ها بیشتر شود، ترس از جرائم مالی در شهر کابل بیشتر می‌شود.

شماره	آمارها	خوشه اول
۱	ضریب همبستگی اسپرمن	۰/۱۶۸
۲	سطح معناداری	۰/۰۰۶
۳	تعداد	۴۴۶

جدول ۵ - ضریب همبستگی میان بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی

نتیجه‌گیری

به پیروی از برخی تحقیقات (عبدالملکی، ۱۳۹۵؛ عشایری، ۱۳۹۸)، در تحقیق حاضر، ترس از جرم واکنشی هیجانی و نه ترس قضاوتی شناختی در نظر گرفته شده که فرد را به جرم مربوط می‌کند و ترس از جنس احساس دانسته شده است. نتیجه‌گیری استنباطی تحقیق بیانگر آن است، میزان ترس از جرائم مالی شهروندان کابل از متوسط به بالاست و اگر ترس را از کم و متوسط به بالا در نظر بگیریم، میزان ترس از جرائم مالی شهروندان کابل از متوسط به بالا (۲/۶۴ درصد) بوده که بسیار نگران‌کننده به نظر می‌رسد، و این ترس از موضوعاتی، مانند پارک

خودرو در خیابان برای زمان طولانی و ترس از تخریب اموالشان در صدر قرار دارد. یعنی یافته‌های تحقیق بیان می‌کند که بیشتر شهروندان کابل از اینکه در هنگام پارک خودرو در خیابان برای زمان طولانی و تخریب اموالشان، نگرانی دارند. این ترس شهروندان ناشی از افزایش سرقت خودرو و تخریب اموال مانند خط و خش آن توسط افراد در شهر است.

مقایسه بین پژوهش‌ها در مبانی نظری و ترس از جرائم مالی در متغیرهای پژوهش فعلی به شرح زیر گزارش می‌شود: حاصل بررسی و نتایج کلی یافته‌های پژوهش فعلی نشان می‌دهد که میان متغیر بیگانگی اجتماعی و ترس از جرائم مالی ارتباط وجود دارد؛ در نتیجه، هرچه بیگانگی اجتماعی میان شهروندان کمتر باشد، ترس از جرائم مالی کمتر خواهد بود و به هر میزان بیگانگی اجتماعی در محله‌ها بیشتر شود، ترس از جرائم مالی در شهر کابل بیشتر می‌شود. به بیان دیگر، این تحقیق نشان می‌دهد که هر میزان بیگانگی اجتماعی شهروندان مثل (احساس بی‌قدرتی، احساس انزوای اجتماعی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی و احساس تنفر از خویشان) بیشتر باشد، ترس از جرائم مالی آنان افزایش می‌یابد و با سایر یافته‌های محققان جرم‌شناسی موافق‌اند. به تأیید آن، پژوهشگرانی مانند: لی (۲۰۰۰)، احمدی و همکاران (۱۳۸۸)، صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۸)، کوهی و فریادی (۱۳۹۸) و سیمن (۱۹۶۶) در پژوهش خود بیان می‌کنند که میان ترس از جرم و بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری برقرار است. نتیجه‌گیری می‌شود، که با افزایش تعارض هنجارها، فردگرایی، از بین رفتن روابط نخست و نظارت‌های غیر رسمی منجر به بیگانگی اجتماعی بی‌قدرتی می‌شوند. چنین وضعیتی در ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر کابل مشاهده می‌گردد.

گاروفالو نیز عنوان می‌کند که ترس از جرم می‌تواند بخشی از این سندرم روان‌شناختی باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). همچنان شهروندان منابع مالی ناچیزی دارند و در حاشیه جامعه‌اند، هرچه در انزوای اجتماعی بیشتر باشد، فرد در جامعه فراموش شده‌تر و موقعیتش در شبکه اجتماعی ضعیف‌تر باشد، ترس او از جرائم مالی در شهر کابل زیادند. چنین وضعیتی را میان ترس از جرائم مالی و بیگانگی اجتماعی را مک دیل هم تأیید می‌کند (Mc Dill and Ridley: 1962). همچنین با تأیید به منظومه فکری ملوین سیمن^۱ احساس بی‌قدرتی (انتظار تصور شده از سوی فرد در قبال تاثیر عمل یا تصور خویش بیشتر شود)، احساس انزوایی اجتماعی (تعلق و وابستگی به جامعه بیشتر)، احساس بی‌هنجاری کمتر، احساس معنایی داری زندگی افزایش یابد و احساس تنفر از خویشان در میان شهروندان کابل کاهش یابد به همان پیمانه ترس از جرائم مالی در میان آنان کاهش می‌یابد.

1. Melvin Seeman

فهرست منابع

- احمدی، حبیب و همکاران (۱۳۸۸). «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز». *مجله جامعه‌شناسی کاربری*، سال ۲۰، شماره ۲.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی دولت جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۵). *وضعیت شهرهای افغانستان*، بخش اول.
- ربانی، رسول و رضا همتی (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم: مطالعه موردی شهروندان زنجان». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳ و ۴.
- سایت اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان (۱۳۹۸). بازیابی شده: ۱۹ دی ۱۳۹۹، از: nsia.gov.af
- صادقی فسائی، سهیلا؛ زهرا میرحسینی (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۷، شماره ۳۶.
- عبدالملکی، احمد (۱۳۹۵). *تبیین پدیده ترس از جرم در شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری. رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران.
- عشایری، عبدالملکی (۱۳۹۷). *تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در بین شهروندان تهران*. رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی - گرایش مسائل اجتماع ایران، دانشگاه کاشان.
- کوهی، کمال و فریادی، طیه (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر دینداری و بیگانگی اجتماعی بر هم‌نوایی دانشجویان با هنجارهای اجتماعی مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز»، *مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۲۲.
- نیازی محسن؛ شاطریان محسن؛ بابایی حسن؛ صدیق محمدی محمد (۱۳۹۴). «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر ترس از جرم در پژوهش‌های ایرانی». *مجله مسائل اجتماعی*، شماره ۲.
- نیکوکار، حمیدرضا (۱۳۹۰). *بررسی بزه‌دیده شناختی ترس از جرم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- وثوقی، محمد و ساری، محمد (۱۳۷۸). «بیگانگی اجتماعی قشر جوان مطالعه موردی جوانان شهر تهران»، *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، شماره ۱.
- هاشمیان، احمد (۱۳۵۲). «علل پیدایش ترس در کودکان و راه‌های پیش‌گیری از آن». *آموزش و پرورش*، شمار ۷۴.

References

- Warr, M., (2000). Fear of crime in the United States: Avenues for research and policy. *Criminal justice*, 4 (4), 451-489.
- Mc Dill, E. L., & Ridley, J. C (1962). Status, anomia, political alienation, and political participation. *American Journal of Sociology*, 68(2), 205-213.

- Seeman, M., (1966). Status and identity: The problem of inauthenticity. *Pacific Sociological Review*, 9 (2), 67-73.
- Skogan, W. G., (2006). *Police and community in Chicago: A tale of three cities*: Oxford University Press, USA.
- Brewin, C. R. Andrews, B. & Rose, S., (2000). Fear, helplessness, and horror in posttraumatic stress disorder: Investigating DSM-IV Criterion A2 in victims of violent crime. *Journal of Traumatic Stress: Official Publication of The International Society for Traumatic Stress Studies*, 13 (3), 499-509.
- Lee, H. D., Reyns, B. W., Kim, D., & Maher, C (2020). Fear of crime out west: Determinants of fear of property and violent crime in five states. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 64 (12), 1299-1316.
- Mc Dill, E. L., & Ridley, J. C., (1962). Status, anomia, political alienation, and political participation. *American Journal of Sociology*, 68 (2), 205-213.